

## طبقه کارگر، موقعیتی دشوار و سرنوشت ساز

صلاح مازوجی

چهارم آذرماه هشتاد و پنج

امروز شرایط دشوار کار و زندگی و اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی و بی حقوقی سیاسی که طبقه کارگر ایران در آن قرار گرفته بر کسی پوشیده نیست. همه می دانند که این شرایط نامطبوع و اسارت‌بار زندگی چگونه آرامش جسمی و روحی را از کارگران سلب کرده و رنج آورترین محرومیت‌ها را به آنان تحمیل کرده است.

بیکارسازی‌های پی‌درپی و ابعاد میلیونی ارتش ذخیره کار که نتیجه توسعه ثروت بر اساس قانون تولید سرمایه داری است، اکنون خود به اهرم نیرومندی برای فشار آوردن به طبقه کارگر تبدیل شده است. این درست است که نظام تولید سرمایه داری هیچگاه نمی تواند به آن مقدار نیروی کاری که رشد طبیعی جمعیت در اختیارش قرار می دهد قناعت کند اما حقیقت تلخ این است که در چند دهه اخیر هیچگاه سرمایه داری ایران به این اندازه ارتش ذخیره کار در اختیار نداشته و در معرض به کار و زندگی طبقه کارگر تا این اندازه دست و بالش آزاد نبوده است.

در چنین شرایطی است که طرح و لایحه های اصلاح قانون کار که سرمایه داران و صاحبان صنایع هیچگاه بطور کامل مقید به رعایت آن نبوده اند یکی بعد از دیگری روانه مجلس می شوند تا هر گونه موانع قانونی از سر راه اخراج و بیکار سازی کارگران و تحمیل شرایط بردگی آور و بهره کشی شدیدتر از آنان بر طرف گردد. بر اساس این اصلاحیه ها دست و بال سرمایه داران در اخراج کارگران بازر می گردد، انعقاد قراردادهای کار موقت به نرم عادی در مناسبات کار و سرمایه تبدیل می شوند و معیارهای قانونی برای تعیین کارگاههای کوچک از سر راه وزارت کار برداشته می شود تا هر زمان میل کردند بخش دیگری از کارگران را از شمول همین قانون کار ارتجاعی خارج کنند. و باز در چنین شرایطی است که مزدوران جمهوری اسلامی خون کارگران گمرک بندر دیلم را به زمین می ریزند، محمود صالحی و جلال حسینی از فعالین و چهره های جنبش کارگری ایران را به اتهام شرکت در سازماندهی مراسم اول ماه مه به زندان محکوم می کنند و منصور اسانلو دوباره بازداشت و روانه زندان می گردد.

تراکم این خیل عظیم بیکاران عواقبی چند سویه بجای گذاشته است، اگر از یک سو بر شدت استثمار کارگران شاغل افزوده است و آنها را در خوف و هراس از هیولای بیکاری و ناامنی شغلی قرار داده و دستمزدهای واقعی را تا سر حد امکان پایین آورده است از طرف دیگر دولت و سرمایه داران را در معرض به کار و زندگی و هستی کارگران هارتر کرده است و در همان حال تفرقه و رقابت را در میان کارگران دامن زده است.

اکنون همه فعالین و پیشروان کارگری بر این امر واقفند و جریان زندگی و مبارزه به بسیاری دیگر از کارگران آموخته است که تعرض هر روزه سرمایه داران و دولت به کار و زندگی کارگران بی چون و چرا نتیجه وجود

بیکاری ساختاری و فقدان تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران است. تنها با ایجاد و برپایی تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران است که می توان از پیامدها و عواقب ویران گر قوانین نظام سرمایه داری بر کار و زیست طبقه کارگر جلوگیری کرد.

اما برای طبقه کارگر که اسیر و برده احتیاجات روزمره خویش است بیکاری ساختاری مانند غل و زنجیر سنگینی بر دست و پایش در راه ایجاد تشکل های طبقاتی کارگران عمل می کند. این تنها مبارزات پر شور کارگران، برپایی هزاران اعتصاب و اکسیون اعتراضی در مقابله با یورش وحشیانه سرمایه داران و دولت حامی آنها به حقوق کارگران بود که امکان فعالیت و جنب و جوش فعالین و پیشروان کارگری برای ایجاد تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران را فراهم آورده است. در متن رویارویی و مبارزات مستقیم کارگران با سرمایه داران است که زمینه برپایی تشکل طبقاتی توده ای و پایدار کارگران پدیدار می گردد. اگر ما شاهد اعتلای نوین جنبش کارگری در سالهای اخیر نمی بودیم بدون شک از تحرک شور انگیز فعالین و پیشروان کارگری برای ایجاد این تشکل ها نمی توانست خبری در میان باشد. کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، اتحاد کمیته های کارگری و ایجاد سندیکای کارگران شرکت واحد محصول این دوره از اعتلای جنبش کارگری هستند.

نباید فراموش کرد که در این نقطه عطف ها بویژه در جامعه ای که تحت حاکمیت اختناق است همواره خطر به بیراهه کشاندن جنبش های اجتماعی وجود دارد. در مورد ایران با توجه به بن بست و بی اعتباری شوراهای اسلامی و نیاز سرمایه داری ایران به تشکل هایی که بتواند با اتکا به همکاری آنها مناسباتش را با کارگر تنظیم کند این مخاطره هنوز وجود دارد. و این را نیز نباید فراموش کرد که در دوره اقتدار دوم خردادی ها و زمانی که توافق نامه وزارت کار رژیم با سازمان جهانی کار زمینه را برای ایجاد نوعی تشکل کارگری که بر مبنای همکاری سه جانبه کارگر و کارفرما و دولت قرار داشت آماده می کرد، راست های درون جنبش کارگری به استقبال آن شتافتند و امیدوار بودند که بتوانند بر خرابه های شوراهای اسلامی و خانه کارگر و تحت عنوان تشکل مستقل کارگری تشکل هایی را سر هم بندی کنند که مبنایش همکاری طبقات باشد. در مقابل این تلاش ها گرایش سوسیالیستی بر ضرورت ایجاد تشکل هایی بعنوان ظرف اتحاد طبقاتی کارگران تاکید می کرد که مبنای نه همکاری طبقاتی بلکه مبارزه کارگر علیه سرمایه دار قرار می داد.

در همان حال و هوا کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری که ایجاد این تشکل ها را منوط به کسب مجوز از وزارت کار می کرد با بیش از سه هزار امضا پای بیانیه اش اعلام موجودیت کرد. بیانیه کمیته پیگیری به درست از جانب گرایش چپ و سوسیالیست های جنبش کارگری مورد نقد قرار گرفت. چون استراتژی ناظر بر این بیانیه ایجاد تشکل های کارگری را موکول به محال می کرد. متعاقب آن کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری امر برپایی تشکل های کارگری با نیرو و دخالت مستقیم کارگران و تحمیل آن به دولت را در دستور کار و فعالیت های خود قرار داد.

سپس در گرما گرم این تلاش ها و جدال ها در میان فعالین جنبش کارگری بود که کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران تشکیل سندیکای خود را اعلام کردند و در جریان اعتصاب و مبارزه و رودرروئی حاد با وحشیگری های رژیم برای رسیدن به خواسته هایشان موقعیت سندیکا را تثبیت کردند. کارگران شرکت واحد با این اقدام راه و روش و امکان پذیری تشکل طبقاتی کارگری دردل اختناق جمهوری اسلامی را نشان دادند و این نقطه عطفی بود برای جنبش کارگری ایران. ایجاد سندیکای شرکت واحد در همان حال که موقعیت گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری را تقویت کرد ضربه ای بود به باورهای جان سختی که ایجاد " تشکل کارگری " در شرایط اختناق را جز از راه سازش و مامشات با دولت امکان پذیر نمی دیدند.

اکنون برای فعالین و پیشروان کارگری که ایجاد تشکل های طبقاتی و توده ای کارگری را در اولویت کار خود قرار داده اند اختناق سیاسی نه مانعی غیر قابل عبور بلکه شرایط فعالیت آنها را تشکیل می دهد. در دل این شرایط ضروری است که فعالین و پیشروان جنبش کارگری و بویژه فعالین کارگری که در کمیته هماهنگی و شبکه اتحاد کمیته های کارگری بطور متشکل فعالیت می کنند در پیوند با هم و از نزدیک موانع و مشکلات سر راه ایجاد تشکلهای توده ای کارگری و گامهای عملی در راستای رفع این موانع را مورد بررسی قرار دهند.

همانطور که از شواهد پیداست کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری عملا از اهداف اولیه خودش یعنی ایجاد تشکل های کارگری در محیط کار و تحمیل آن به دولت دور شده است. از آنجا که در بعضی نقاط و بطور مشخص در برخی از شهرهای کردستان زمینه برپایی این تشکل ها وجود دارد، ارزیابی و بررسی موانع سر راه پیشروی کمیته هماهنگی می تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

باشد که با مبارزه جمعی و متحدانه فعالین و پیشروان کارگری این موانع بر طرف شوند و جنبش کارگری ایران موقعیت سرنوشت ساز کنونی را با موفقیت پشت سر بگذارد. با برپایی تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران که در برگیرنده گرایشات مختلف درون جنبش کارگری است مبارزه بین این گرایشات هم تکامل پیدا می کند و این تشکل ها در همانحال که ظرف مبارزه کارگران علیه سرمایه داران هستند به ظرف پیشبرد مبارزه گرایشات درون جنبش کارگری هم تبدیل می شوند و گرایش سوسیالیستی تنها در صورت نشان دادن حقانیت استراتژی، سیاست و تاکتیک هایش در میدان عمل و در ابعاد اجتماعی است که می تواند توده گیر شود، آنزمان است که ضرورت تحزب یافتن فعالین و کارگران پیشرو سوسیالیست با مبرمیت صد چندان به میان می آید.

صلاح مازوجی

آبان ۱۳۸۵

نوامبر ۲۰۰۶